

متن پرسش

با سلام خدمت استاد گرانقدر چند سوال از خدمتتان داشتم: (۱) آیا این حرف درست است که با توجه به تجرد ادراک و اینکه علم مرتبه ای از مراتب وجود است و همچنین حرکت جوهری نفس و بحث اتحاد ادراک و مدرک و مدرک که در تمام مراتب ادراک از جمله ادراک حسی و خیالی جاری است نتیجه می شود که اولاً در ساحت آگاهی حسی، ما صرفاً با خود نفس و انشائات اش روبه رو هستیم و ثانیاً آگاهی چیزی جز حرکت دایمی نفس از قوه به فعل نیست. حرکتی که در آن نفس در هر مرتبه از ادراک با آن مرتبه متحد می شود و در این فرایند خود نفس مجرد است که در تجردش تعیین می یابد. پس نفس همان آگاهی و آگاهی همان معلوم بالذات است که در یک حرکت دایمی است. یعنی مبتنی بر حکمت صدرایی آگاهی و نفس با هم یکی می شوند. (۲) اگر نفس در هر مرتبه از علم با آن مرتبه متحد می شود و به فعلیت جدید می رسد پس در نتیجه در مرتبه ادراک حسی آیا نفس با انشائات خودش متحد می شود و در اثر اتحاد با انشائات خودش به فعلیت جدید می رسد؟ (۳) از طرفی مبتنی بر مبانی صدرایی با توجه به اینکه ماده عین غیبت برای خودش است، پس نمی تواند متعلق ادراک علم حضوری که حضور خود معلوم نزد عالم است، قرار بگیرد؛ اما از طرف دیگر شما قبلاً در بحث تطابق ذهن و عین فرمودید که بین ذهن و عین اتحاد وجودی برقرار است. پس حالا چطور ممکن است که در نحوه ارتباط آگاهی ما با جهان خارج از یک طرف چون مادی است متعلق علم حضوری نیست و از طرف دیگر با ما خارج می توانیم نحوی ارتباط وجودی و حضوری و رای ارتباط مفهومی و ماهوی برقرار کنیم؟ با عرض پوزش آیا در مباحثتان بحث ادراک نفس از جهان خارج را به طور مبسوط بحث کرده اید؟ در صورت امکان فقط آدرسش را بفرمایید. در ضمن بنده صرفاً تقریر حضرتعالی را از این بحث در صدرا می خواهم نه تقریر علامه یا شهید مطهری و ...

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- احسن از برداشتی که در رابطه با نحوه ادراکات شده است ۲- در ادراکات حسی، نفس ناطقه آماده می شود تا با ارتباط با مبادی الصور آن صورتها را در خود ابداع کند. پس عملاً نفس از طریق خودش به فعلیت نرسیده است ۳- همان طور که متوجه شده اید در ادراکات حسی، نفس آماده می شود تا با وجود علمی مطابق شیئی خارجی متحد گردد و به آن علم حضوری پیدا کند، نه با موجودات مادی که عین غیبت اند. از آن طرف نفس به جهت تجردی که دارد به معلومات بالعرض خود یعنی پدیده های مادی احاطه دارد و وجه وجودی آنها از او غایب نیست تا

این‌که نتواند معلومات بالذات خود را که ابداع کرده، درست و همه‌جانبه بشناسد و مشکلی دوگانگی بین «عین» و «ذهن» پیش آید. عرایضی در چند جزوه‌ای که در رابطه با «معرفتِ نفس و حشر» شده است می‌تواند کمک‌کار باشد. و از آن مهم‌تر بحث «برکات نظر در نسبت بین «وجودِ نفس» با «صرفُ‌الوجود» که فایل‌های صوتی آن همراه با متن مربوطه بر روی سایت هست. موفق باشید